

پرومته در جهنم

دیدگاه‌ها و فلسفه کامو
نقد رمان «طاعون»

آلبر کامو
کامل روزدار



«کیریلوف» و «اسطوره سیزیف»

ادبیات معاصر

۴۹

عنوان به فرانسه

Prométhée Aux Enfers

پرومته در جهنم

به همراه

«کیریلوف» و «اسطوره سیزیف»

دیدگاه‌ها و فلسفه کامو

نقد رمان «طاعون»

آلبر کامو

کامل‌روزدار



نشر اشاره

کامو، آلبر، ۱۹۱۳-۱۹۶۰ م.
پرومته در جهنم / مجموعه مقالات، دیدگاه‌ها و فلسفه کامو، نقد رمان «طاعون» / آلبر کامو /
مترجم کامل روزدار، تهران: نشر اشاره، ۱۷۶ ص.
ادبیات معاصر؛ ۴۹

ISBN - 978 - 964 - 8936 - 81 - 0

فیا

عنوان اصلی: Prométhée aux enfers, 1947

الف. مجموعه مقالات، دیدگاه‌ها و فلسفه کامو، نقد رمان «طاعون».
ب. کامو، آلبر، ۱۹۱۳ - ۱۹۶۰ م. نقد و تفسیر - کامو، آلبر، ۱۹۱۳ - ۱۹۶۰ م.
طاعون - نقد و تفسیر. داستان‌های فرانسه - قرن ۲۰ م. تاریخ و نقد.
روزدار، کامل، ۱۳۳۹، مترجم. Rouzdar, Kamel
کامو، آلبر، ۱۹۱۳ - ۱۹۶۰ م. طاعون - شرح.

۸۴۸/۹۱۴-۹

۷۸۳ الف/ PQ۲۶۳۴

۳۶۳۷۱۲۳



نشر اشاره

پرومته در جهنم

آلبر کامو

روزدار، کامل

رسم الخط، حروفچینی و صفحه‌بندی: ف. داودی

طرح روی جلد: پتر پل روبنس Peter Paul Rubens

تنظیم طرح جلد: قشقای، امیر

لیتوگرافی: فام، چاپ: فرشیه، صحافی: روشنگر

چاپ اول: ۱۳۹۴ شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۰ - ۸۱ - ۸۹۳۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸ - ۰ - ۹۷۸ - ۸۱ - ۸۹۳۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸

نشر اشاره: تهران، صندوق پستی ۱۱۷۷-۱۳۱۴۵ تلفکس: ۶۶۴۱۸۹۱۱

Email: eshareh_pub@yahoo.com

حق چاپ محفوظ است.

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

۷	پرومته در جهنم
۱۷	کیریلوف
۳۱	اسطوره سیزیف
۴۱	دیدگاه‌ها و فلسفه کامو و نقدی بر رمان «طاعون»
۴۳	مقدمه
۴۶	بیوگرافی کامو
۵۳	سورن کیرکه گارد (Søren Kierkegaard ۱۸۱۳-۱۸۵۵ م)
۵۷	آرتور شوپنهاوئر (Arthur Schopenhauer ۱۷۸۸-۱۸۶۰ م)
۶۱	فریدریش نیچه (Friedrich Nietzsche ۱۸۴۴-۱۹۰۰ م)
۷۰	سارتر (Sartre ۱۹۰۵-۱۹۸۰ م)

۷۵	کامو و فلسفه «پوچی»
۸۶	دیالکتیک در آثار کامو
۹۰	شرایط پیدایش رمان «طاعون»
۹۳	خلاصه بخش های رمان
۱۱۳	ساختار رمان
۱۱۴	شخصیت های رمان
۱۲۵	نقد رمان «طاعون»
۱۳۵	تعبیر رمان «طاعون» از جنبه اخلاقی
۱۳۶	نکته مرکزی رمان
۱۳۸	تئوری «پوچی» و «شورش»
۱۴۲	انتخاب رامبر
۱۴۶	«طاعون» به مثابه آیین جامعه
۱۴۷	زندگی اجتماعی پیش از بروز فاجعه و در آغاز فاجعه
۱۵۱	تغییر ارزش ها و مناسبات اجتماعی در شرایط طاعون زده
۱۵۴	سبزیف در میان «پوچی» و «شورش»
۱۵۷	موضوع جدایی
۱۵۹	پارادوکس میان محبت و جدایی
۱۶۲	نظر کامو
۱۶۳	رمان «طاعون» و عرب ها
۱۶۶	اهمیت رمان «طاعون» برای امروز
۱۷۱	رمان «طاعون» به مثابه Pamphlet

پرومته در جهنم

عنوان این مقاله به فرانسوی:

PROMÉTHÉE AUX ENFERS

نویسنده: آلبر کامو

مترجم: کامل روزدار

«من تصور می‌کردم تا مادامی که در برابر خدا
مانعی قرار داده نشده است، کمبودی در قدرت
الهی وجود دارد.»

«پرومته در قفقاز» اثر لوكيان Lukian^۱

پرومته^۲ برای ما، انسان‌های امروز، چه معنایی دارد؟
بدون تردید می‌توان گفت که این شورشگر که در برابر خدایان قد
علم کرده، الگوی انسانِ امروز می‌باشد و این شورش که هزاران سال
پیش در صحرای سکایان Skythien^۳ آغاز گشت، امروز در یک تحول

۱. لوكيان Lukian یکی از طنزنویسان معروف یونان باستان بود. او احتمالاً در حدود سال ۱۲۰ پس از میلاد می‌زیسته و تقریباً در سال ۱۸۰ پس از میلاد درگذشته است. لوكيان اهل شهر رُموzata Samosata بود. این شهر در عهد باستان به یونان تعلق داشت. امروز این شهر باستانی جزو خاک ترکیه است. (مترجم)

۲. پرومته Prometheus در اساطیر یونانی برادر اطلس و ایی‌مته بود. پرومته قادر به پیش‌گویی حوادث آتی بود. او برخلاف اراده زئوس، خدای خدایان یونان باستان، آتش را از آسمان ربود و به انسان هدیه کرد و او را از سرما و تیره روزی نجات داد. و زئوس او را به همین جهت به سختی مجازات کرد: او پرومته را به صخره‌ای بست و لاشخوری را به آن‌جا روانه کرد. لاشخور هر روز جگر او را از سینه بیرون می‌کشید و نشخوار می‌کرد. ولی شب در بدن پرومته جگر جدیدی می‌روید و روز، زجر و شکنجه از نو آغاز می‌شد. (مترجم)

۳. سرزمین سکاها یا سکایان Skythien منطقه‌ای در عهد باستان بود. این سرزمین از نواحی شمالی دریای سیاه تا کشور اوکراین Ukraine گسترش می‌یافت. در این منطقه دسته‌ای از چادرنشینان ایرانی تبار به نام سکا Skyther زندگی می‌کردند. (مترجم)

تاریخی بی نظیری به پایان می‌رسد. اما در عین حال آن‌چه که به ما هشدار می‌دهد، این است که این ستمدیده کماکان در ما تأثیر عمیقی می‌گذارد و ما هنوز هم کر هستیم و نمی‌خواهیم فریاد پُرتنین شورشی انسانی را، که تنها او علامت آغاز آن را داده، بشنویم.

انبوه حیرت‌انگیزی از انسان‌ها بر روی عرصه تنگ این کره خاکی رنج می‌کشند. انسانِ امروز از آتش و غذا محروم است و آزادی برایش تجملی است که برای دست‌یابی به آن عجله‌ای ندارد؛ این انسان ناچار است که کمی بیشتر رنج بکشد، هم‌چنان‌که آزادی و آخرین شاهدانِ آن اکنون ناچارند که هر چه بیش‌تر محو و ناپدید گردند. پرومته، قهرمانی است که به انسان‌ها به حدی عشق می‌ورزید که به آن‌ها آتش و آزادی، فن و هنر را هم‌زمان هدیه کرد. بشریتِ امروز فقط به فن و تکنولوژی نیاز دارد و تمام هم و غم خود را در راه دست‌یابی به آن به خرج می‌دهد و با بکار بُردن دستگاه‌هایش شورش می‌کند! و در این دستگاه‌ها به قدرت و توانایی‌های خود پی برده و هنر و توقعات آن را مانع و نشانه‌ای برای بردگی و اسارت به شمار می‌آورد. در حالی که یکی از خصوصیات پرومته، برعکس، این است که او قادر نیست دستگاه را از هنر جدا سازد. پرومته به آزادی و رهایی هم‌زمان جسم و روح ایمان دارد. انسانِ امروز بر این باور است که نخست باید جسم را رها و آزاد سازد، حتی اگر روح موقتاً از بین برود. اما: مگر روح می‌تواند موقتاً نابود شود؟ اگر پرومته باز گردد، انسان‌های امروز همانند خدایانِ دیروز با او برخورد خواهند کرد: آن‌ها پرومته را، به نام همان انسانیتی، که او نخستین سمبل آن است، در زنجیر کرده و به صخره‌ای خواهند بست! و نعره‌های خصمانه‌ای

که هم اکنون این مغلوب را به باد ناسزا و تحقیر خواهند گرفت، همان نعره‌ها و دشنام‌هایی خواهند بود که در تراژدی آشیلوس Aischylos^۱ به گوش می‌رسیدند: نعره‌های زور و قدرت.

آیا می‌گذارم که مرا زمانه‌ی خشن کنونی، درختان عریان و زمستان جهان تحت تأثیر و نفوذ خود قرار دهند؟ مخصوصاً این حسرت و آرزوی دست‌یابی به نور است که به من حق می‌دهد: این آرزو از دنیای دیگری، از میهن واقعی من سخن می‌گوید. آیا این حسرت و آرزو هنوز برای تعداد خیلی از انسان‌ها مفهومی دارد؟ در همان سالی که آتش جنگ افروخته شد، می‌خواستم دوباره سفرهای دور و دراز و سرگردانی‌های اودیسیوس Odysseus^۲ را در پیش بگیرم. در آن زمان حتی مرد جوان فقیری قادر بود طرح این نقشه‌ی پرهزینه را بریزد که برای جستجوی نور از میان دریا عبور کند. ولی سرانجام من نیز همانند دیگران عمل کردم. من سوار کشتی نشدم، بلکه به آن دسته پیوستم که به سوی دروازه‌های باز جهنم راه‌پیمایی کرده، جلوی این دروازه‌ها ایستادند. ما به تدریج وارد جهنم شدیم. همین‌که نخستین

۱. آشیلوس Aischylos یکی از تراژدی‌نویسان یونان باستان بود و در سال ۵۲۵ پیش از میلاد می‌زیسته است. او زبان تراژدی یونان باستان را با آوردن بازیگر دومی به روی صحنه نمایش تکامل داد. تراژدی‌های یونان باستان پیش از آشیلوس، به صورت منولوگ (تک‌گفتاری) Monolog اجرا می‌شد و آشیلوس آن‌ها را به دیالگو (گفتگو) Dialog تبدیل کرد. «پرومته در زنجیر» یکی از آثار آشیلوس است. (مترجم)

۲. اودیسیوس Odysseus قهرمان «حماسه‌ی اودیسه» Odyssey اثر هومر است. «حماسه‌ی اودیسه» ماجراهای اودیسیوس در راه بازگشت از جنگ تروا به وطن خود، ایتاکا Ithaka می‌باشد. طوفان، کشتی اودیسیوس را به سرزمین‌های دوری برد. سفر بازگشت او به وطن بیش از بیست سال به طول انجامید. به همین جهت در زبان‌های اروپایی معنای مجازی واژه‌ی اودیسه Odyssey «سفرهای دور و دراز؛ سرگردانی‌های طولانی» است. (مترجم)

فریادِ معصومیت کشته شده به گوش رسید، پشتِ سر ما دروازه‌ها بسته شدند. ما در جهنم بودیم و هرگز نتوانستیم از آن بیرون بیاییم. شش سال آزار است که می‌کوشیم این موضوع را بپذیریم که دیگر برای مان راه‌گزینی از جهنم وجود ندارد. تصاویر یک زندگی گرم و دلپذیر در جزایری خرم، تنها پس از گذشت سالیان دراز دیگری در برابر چشمان ما پدیدار خواهند شد، آن‌هم بدون گرمی آتش و نور آفتاب.

چه گونه می‌توانیم در این اروپای تیره و مرطوب، بدون احساس گناهی سنگین و بدون آن‌که از شدت تأسف در خود به لرزه بیافتیم، به سخنان شاتوبریان^۱ سالخورده Chateaubriand گوش فرا دهیم، هنگامی که او خطاب به آمپر^۲ Ampère، که رهسپار یونان بود، ندا در داد: «شما برگي از درختان زیتون و خوشه انگوری را، که من در آتیکا Attika^۳ دیده بودم، نخواهید یافت. من حتی فقدان علفی را افسوس می‌خورم که در آنجا دیده بودم. من در آن هنگام نیرو و توان آن را نداشتم که بوته اریکا Erica^۴، این گیاه زیبا را دوباره زنده کنم.» و ما که علی‌رغم خون جوان‌مان، در پیری هولناک این قرن فروزفته‌ایم، هر از

۱. فرانسوا رنه ویکومت دو شاتوبریان François-René Vicomte de chateaubriand (۱۷۶۸-۱۸۴۸م) نویسنده و سیاست‌مدار فرانسوی. او یکی از بنیان ادبیات رومانتیک در فرانسه بود. (مترجم)

۲. ژان ژاک آمپر Jean-Jacques Ampère (۱۸۰۰-۱۸۶۴م) تاریخ‌دان، نویسنده و زبان‌شناس فرانسوی. (مترجم)

۳. آتیکا Attika نام ناحیه‌ای در یونان است. (مترجم)

۴. گیاه اریکا، Erica بوته یا گیاهی تزئینی است که شکوفه‌های زیبایی دارد. این گیاه در اروپا و آفریقای جنوبی می‌روید. (مترجم)

گاهی به خاطر علف‌های همه دوران‌ها، به خاطر شاخه‌های زیتونی^۱، که دیگر آن‌ها را نخواهیم دید، و به خاطر انگورهای آزادی سوگواریم و از فقدان آن‌ها افسوس می‌خوریم. انسان همه‌جا است، همه‌جا فریاد او، درد ورنج او و تهدید اوست. در میان انبوه مخلوقاتی که در تنگاتنگ یکدیگر به سر می‌برند، دیگر حتی جایی برای جیرجیر ملخ‌ها نیست. تاریخ، زمین‌بایی است که در آن هیچ بوته زیبایی نمی‌روید. انسان امروز با این وجود تاریخ خود را برگزیده است و نمی‌تواند و نباید از آن روی برگرداند. اما به جای آن که تاریخ را مطیع و گوش به فرمان خود سازد، روز به روز هر چه بیشتر برده و اسیر آن می‌گردد. انسان امروز در این‌جا به پرومته، به این پسر عدالت، که «افکاری شجاع و قلبی آسوده دارد» خیانت می‌کند. در این‌جا انسان امروز دوباره دچار همان تیره روزی می‌شود، که پرومته می‌خواست او را از چنگ آن نجات دهد. «آنان همانند موجوداتی که در خواب و رؤیا پدیدار شوند، نگاه می‌کردند، بی‌آن‌که ببینند، گوش فرا می‌دادند، بی‌آن‌که بشنوند...»

آری، شامگاه زیبای نواحی پرووانس^۲ Provençe، و یا زنجیر کامل و به هم پیوسته‌ای از تپه‌ها، و یا طعم نمک کافی است تا بتوانیم تشخیص دهیم که باید همه چیز را از نو کشف کنیم و کارگاه‌ها را از نو بسازیم تا بتوانیم گرسنگی سوزان جسم را فرو نشانیم. دیدار آتیکا Attika، دست‌یابی به آزادی و محصولاتش، که نان روح می‌باشند، برای آینده در نظر گرفته شده‌اند. و تنها کاری که برای مان باقی مانده،

۱. شاخه زیتون سمبلی است برای صلح. (مترجم)

۲. پرووانس Provence نام ناحیه‌ای در جنوب فرانسه است. (مترجم)

این است که به خودمان ندا دهیم: «با نانِ روح هرگز وجود نخواهد داشت و یا برای دیگران وجود خواهد داشت.» و چاره‌ای جز این نداریم که تمامی سعی و کوشش خود را به کار ببریم تا این که این نانِ روح دست‌کم از دست دیگران ربوده نشود. ما این وضع را با درد احساس می‌کنیم و با این وجود با قلبی عاری از تلخ‌کامی می‌کوشیم آن را بپذیریم. آیا برای ما بسیار دیر شده است و یا خیلی زود است؟ و آیا نیرو و توان آن را خواهیم داشت که موجب شکوفایی بوتهٔ زیبایی شویم؟

برخی هاگمان می‌کنند که پاسخ پرومته را به این پرسشی، که از قرن ما برمی‌خیزد، شنیده باشند. پرومته به احتمال یقین گفته است: «ای مخلوقاتِ فانی، من به شما وعدهٔ نوسازی و آشتی را می‌دهم، به شرط آن که به حدی چیره‌دست، صادق و نیرومند باشید که این نوسازی و آشتی را با دست‌های خودتان پدید آورید.» اگر این موضوع حقیقت داشته باشد که نجات ما در دست‌های خودمان است، من به این پرسش قرن، به خاطر آن‌که در برخی از دوستانم این نیروی سنجیده و این شجاعتِ آگاهانه را، که به راز جهان واقف است، بارها می‌بینم، پاسخ مثبت خواهم داد. پرومته فریاد برمی‌آورد: «ای عدالت، ای مادرم، می‌بینی که چگونه مرا رنج می‌دهند.» و هرمس^۱ Hermes این قهرمان را چنین به باد ریشخند می‌گیرد: «من در شگفتم که با همهٔ پیشگو بودن، نتوانسته‌ای این مصائب و رنج‌ها را پیش‌بینی کنی.» این شورشگر پاسخ می‌دهد: «از چنین رنج‌هایی آگاه

۱. هرمس Hermes در اساطیر یونانی، پسر زئوس و خدای راه و مسافران و نیز قاصد خدایان بود. او ارواح مردگان را به هادس Hades (دنای زیرین) می‌برد. (مترجم)

بودم.» مردانی، که در موردشان سخن می‌گویم نیز پسرانِ عدالت هستند. آن‌ها نیز از این که به همه چیز آگاه می‌باشند، رنج می‌کشند. آن‌ها می‌دانند که عدالتِ کور وجود ندارد، بلکه تاریخ کور است و از همین رو باید عدالتِ تاریخ را رد نمایند تا بتوانند حتی الامکان عدالتِ عقل را جایگزین آن کنند. پرومته در چنین مفهومی به قرن ما باز می‌گردد.

اساطیر به خودی خود زنده نیستند. آن‌ها منتظرند که ما مظهر و صورت تجسم آن‌ها باشیم. کافی است که در تمامی دنیا تنها یک نفر به ندای آن‌ها پاسخ دهد تا که آنان تمامی عصاره‌های دست‌نخورده زندگی خود را در اختیارمان قرار دهند. ما باید از حیات این یک نفر حفاظت و پاسداری کنیم و نگذاریم که در خوابِ مرگ فرو رود تا به این طریق تولدی دیگر میسر شود. گاهی تردید می‌کنم که آیا نجات انسانِ امروز مجاز است؟ ولی می‌توان روح و جسمِ فرزندانِ او را نجات داد. باید به آن‌ها امکاناتی بخشید تا بتوانند از خوشبختی و زیبایی برخوردار شوند. اگر ما این موضوع را بپذیریم که بدون زیبایی و آزادی - زیبایی به معنای آزادی نیز هست - به زندگی ادامه دهیم، اسطوره پرومته به ما یادآوری خواهد کرد که اولاً هرگونه محدودیتِ انسان فقط می‌تواند موقتی باشد، و ثانیاً فقط در صورتی می‌توانیم به انسان خدمت کنیم که خود را تماماً در خدمت او قرار دهیم. اگر انسان حسرتِ دست‌یابی به نان و بوته زیبای اریکا Erica را داشته باشد، چون نان مهم‌تر و ضروری‌تر است، بنابراین به او بیاموزیم که خاطره این بوته زیبا را در ذهن خود حفظ کند. در تاریک‌ترین قلبگاه تاریخ،

مخلوقاتِ پرومته^۱، بی آن که از کارِ دشوار خود باز ایستند، به خاک و گیاهی که همیشه می روید، چشم خواهند دوخت. این قهرمانِ در زنجیر در میان آذرخش و تسنیرِ الهی، ایمان خود را به انسان خونسردانه حفظ خواهد کرد. و به این ترتیب پرومته سخت تر از صخره و صبورتر از لاشخور است. ایستادگی و پایداری طولانی و پُرشکیب او برای ما بیشتر از شورش او بر خدایان ارزش دارد. و این ارادهٔ تحسین برانگیز، که نباید چیزی را نه جدا و نه طرد کرد، بارها قلبِ دردمندِ انسان را آشتی و تسکین داده است.

۱. در این جا منظور از مخلوقاتِ پرومته، انسان ها هستند: پرومته Prometheus در اساطیر یونانی از نژاد تیتان ها Titan بود. تیتان ها یکی از نژادهای خدایان نیرومندی بودند، که پیکری غول آسا و شکل و شمایل شبیه به انسان داشتند و در عصر طلایی فرمانروایی می کردند و بعدها با خدایان المپ Olymp جنگ کرده، شکست خوردند. پرومته، که به اسارتِ ژئوس درآمده بود، انسان هایی را از خاک رُس و به شکل و شمایلِ تیتان ها به وجود آورد و خصایلی را از حیوانات گوناگونی به آن ها بخشید: مثلاً هوشیاری را از سگ، و جابکی را از اسب به آن ها اعطاء کرد. و آتنا Athene، الههٔ فرزاندگی و جنگ، این مخلوقاتِ پرومته را پسندیده و با نفسِ الهی خود روح و جان را در پیکر آن ها دمید و به این ترتیب اولین انسان ها پدید آمدند. (مترجم)